

نفرمایند ایشان را متذکر می کنیم که دولت ...

(یکی از نمایندگان در این موقع زمزمه کرد)

شیخ الاسلام - آقای بعضی ترتیبات در مجلس صحیح است ؟ اگر صحیح باشد بنده حرفی ندارم . بنده

بعضرت والا یادآوری میکنم که دولت مسئولیت این لایحه را در اول قبول نکرد در زمان مداری آقای قوام السلطنه بود که دو کمیانی دویسشهاد مختلف و متخالف دادند و هیاهوهائی هم برپا شد و از طرف دولت اظهار شد که يك كمسیون در مجلس منعقد شود و ما آن دویسشهاد را در آن كمسیون میآوریم و وکلا تحت نظر و شور بگذارند .

هرچه تصویب کردند دولت اجرا کند در آن موقع این اظهار دولت در مجلس مخالف پیدا کرد که یکی از آنها شاید حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا بودند که گفتند این يك طرز تازه است که دولت بدون اینکه يك لایحه تقدیم مجلس کند مجلس نشیند و لایحه ابتدائی خودش تدارک کند .

بالاخره آقای رئیس فرمودند چون مطابق قانون اساسی دولت حق دارد كمسبونی از مجلس بخواهد ما وظیفه دار هستیم آن كمسیون را بدولت بدهیم آن وقت این كمسیون نفت معین شد از برای این سابقه حالا بنده نمیدانم آیا يك چنین كمسبونی صلاحیت داشته است که لایحه تدارک کند و تقدیم مجلس نماید یا خیر ؟ و فعلا مجلس از دولت يك سندی ندارد که این امتیاز را دولت پیش نهاد کرده باشد مقدمه مطلب این بود که دو کمیانی دو پیشنهاد داده اند دوازده نفر از وکلا معین شدند آن دو لایحه را در تحت نظر بگذارند به پیشند چه طور صلاح است عمل شود و این را هم خدمت آقایان عرض میکنم بر حسب این سابقه تقریباً کلیه مسئولیت این کار را مجلس قبول کرد و دولت تا اندازه خود را بیطرف کرد و بعد از آن هم دیگر در مجلس مذاکره نشد .

در اول هم عرض کردم میخواستم مطلبی را بیان نمایم که حضرت والا همان جواب سابق را به بنده ندهند .

خلاصه بنده مدت ها متفکر بودم چه شده است در دنیای امروزه با این مقامی که نفت حائز شده است در تمام عالم جدید و قدیم يك مشتری امریکائی برای این نفت پیدا شد تا اینکه در ایام نوروز يك نفر از مأمورین محترم دولت را بنده ملاقات کردم و آن شخص شرح مفصلی برای بنده نقل کردند و فرمودند نفت شمال ایران را يك کمیانی هلندی میخواهد و باین هم مکاتبات و مخابرات زیاد کرده است که اسناد آن

هم حاضر است و داوطلب است که نفت شمال ایران را در صدسی و پنج الی چهل بدولت ایران سهم بدهد بنده بآن شخص عرض کردم شما که چنین اسناد و اطلاعاتی دارید خوبست بدولت وقت و روزنامه ها اطلاعات بدهید بالاخره قرار شد که بنده از آقای مستوفی الممالک وقت بخواهم و به اتفاق برویم خدمت آقا و مطالب خود را عرض نماید بنده هم با آقا عرض کردم و وقت هم دادند ولی آن روزی که رفتیم آن شخص موفق نشد مطالب خود را عرض کند و به آن شخص و عده دادند که روز بعد برود و مطالب خود را بیان نماید روز بعد آن شخص رفته بود و با آقا مذاکره کرد و بعضی اسناد را ارائه داده بود بعد آقای رئیس الوزرا فرموده بودند که این کار قدری دیر شده است و بنده این امر را تعقیب کرده با آقای حاج مخبر السلطنه اطلاع دادم که چنین مطلبی هست و خوبست شما هم تعقیب نمایند ایشان فرمودند آن شخص را بفرستید تا من ملاقات کرده و سؤال و جواب نمایم بنده هم به آن شخص اطلاع دادم و رفت خدمت آقای حاج مخبر السلطنه رسید و مطالبش را عرض کرد بعد از ایشان استفسار کردم که آن مطلب چه شد فرمودند موعده این مطلب گذشته و حالا ما وقت اینکه بایک کمیانی هلندی سؤال و جواب کنیم نداریم بنده بایشان عرض کردم این جواب نشد .

چرا وقت نداریم؟ تلگرافی از اینجا بهلند مخابره میکنند و جواب میآید .

گفتند چون مجلس بدولت اجازه داده است که فقط با کمیانی امریکائی طرف سؤال و جواب شود نمیتواند با کمیانی هلندی مذاکره کند بنده عرض کردم پس خوب است خود این شخص تلگرافی مخابره کند .

فرمودند بسیار خوب و قرار شد تلگرافی این شخص بنویسد و بدهد به بنده که بدهم با آقای حاج مخبر السلطنه تا مخابره نمایند این شخص هم تلگرافی نوشت و برای بنده فرستاد مختصری بود بنده هم فرستادم خدمت آقای حاج مخبر السلطنه رسیدش هم در این جا حاضر است بعضی مکاتبات دیگر هم که شخصا بایشان کرده ام و جواب بنده نوشته اند اینجا حاضر است .

خلاصه بعد از اینکه این قضایا واقع شد بنده خود نکته را متذکر شدم که الان بعضی آقایان میسرانم عرض کردم در اول این خیال در نظر بنده مجسم شده بود و بنده را بفکر انداخته بود که چه شده و چرا باید در همه دنیای امروزه برای نفت ایران دو کمیانی بیش تر مشتری پیدا نشده باشد بعد از این فرمایش آقای حاج مخبر السلطنه بنده متذکر شدم که مجلس شورای ملی ابتدا رأی داد که بایک کمیانی امریکائی دولت طرف مذاکره شود بعد از این اجازه

ها را تأمین داد که کمیانی استاندارد نیل یا يك کمیانی دیگر امریکائی (و البته این مطالب در جراید هم طبع و توزیع شده و همه عالم دیده اند که مجلس شورای ملی بدولت اجازه داده است که فقط با کمیانی های امریکائی طرف سؤال و جواب شود و حق ندارد با کمیانی های دیگر داخل مذاکره شود این است که هیچ کمیانی در این مدت اظهاری ننکرده است و شاید همین کمیانی هلندی هم که حاضر شده بود صدسی و پنج الی صدچهل بدولت بدهد به همین ملاحظه بوده است که اظهاری ننکرده و پیشنهادی تقدیم ننکرده این مطالب را بنده محض ادای وظیفه و اطلاع آقایان عرض کردم و پیشنهادی هم کرده ام باین مضمون که لفظ امریکائی از این ماده حذف شده و نوشته شود کمیانی تبعه دولتی که نظریات سیاسی نسبت بایران نداشته باشند که اگر يك کمیانی دیگر مثل این کمیانی هلندی یا جای دیگر طالب این امتیاز باشد بیاید و با ایران سؤال و جواب نماید .

رئیس - همچو پیشنهادی را بنده نمی توانم رأی بگیرم .

مخبر - جواب مطالبی را که آقای شیخ الاسلام فرمودند آقای رئیس بطور کافی واکمل فرمودند و لیکن بنده برخاستم برای اینکه اصلاحی پیشنهاد کنم بعد از کلمه امریکائی بین الهالین لفظ اتازونی علاوه شود تا معلوم شود که مقصود امریکائی شمالی است .

رئیس - آقای آقا سید فاضل هم همین طور پیشنهاد کرده اند

(گفته شد بلی)
رئیس - (خطاب با آقای شیخ الاسلام اگر اصلاحی دارید به قسم دیگری میشود رأی گرفت ولی باین قسم نمی توان رأی گرفت .

شیخ الاسلام اصفهانی - منظور بنده اینست که توسعه داده شود همانطور که اول منحصر بود بعد تعمیم دادند حالا هم تعمیم داده شود ولی نه تعمیم مضر حالا نفرمودید چرا اینطور نمیشود

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید فاضل اینست (دول متحده امریکائی شمالی در بین الهالین (اتازونی) مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد)

رئیس - رأی گرفته میشود بماده دوم با تبدیل امریکائی با اتازونی ...

مخبر - خیر . با اضافه اتازونی در بین الهالین بعد از امریکائی .

رئیس - رأی میگیریم بماده دوم با این اصلاح ؛

آقایانیکه بماده دوم باین اصلاح رأی میدهند قیام فرمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد . بقیه مذاکرات میماند برای جلسه بعد . جلسه بعد هم فردا .

بعضی گفتند فردا معمولا تعطیل است پس فردا روز سه شنبه کمافی السابق سه بفرود .

(جمعی گفتند صبح بهتر است) صبح سه و نیم قبل از ظهر . آقای آصف الممالک

(اجازه)

(از مجلس خارج شده بودند) آقای حاج میرزا عبدالوهاب

(اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - آقایان که تشریف میبرند .

رئیس - پس میماند برای جلسه بعد (مجلس يك ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

رئیس مجلس - مؤتمن الملک

جلسه ۲۷۵
صورت مشروح مجلس
یوم سه شنبه اول جوزا
۱۳۰۲ مطابق ۵ شوال -
المکرم ۱۳۴۱

(مجلس دو ساعت قبل از ظهر بر ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید)

صورت جلسه لیله دوشنبه ۳۱ نور را آقای امیر ناصر قرائت نمودند

رئیس - آقای معتمد السلطنه (اجازه)

معتمد السلطنه - بنده در جلسه گذشته بواسطه عارضه در دست نتوانستم حاضر شوم و شرحی هم بمقام ریاست محترم عرض کرده و تقاضای اجازه مرخصی نموده بودم

رئیس - اصلاح می شود . آقای پوررضا .

(اجازه)

پوررضا - بنده در جلسه قبل کسالت داشتم و اجازه مرخصی هم خواسته بودم لهذا حاضر شدم و در صورت جلسه بنده را غایب بدون اجازه نوشته اند .

رئیس - کمیسیون باید تصویب کند . آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - چون جلسه پریروز فوق العاده بود و کمیسیون مرخصی هم تشکیل نشده بود

آقا میرزا علی کازرونی - بنده هم بعد از تصویب صورت جلسه عرض دارم .

رئیس - در صورت جلسه دیگر ایرادی نیست ؟

(اظهاری نشد)

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب

(اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - نظر به اینکه بنده میبینم در بعضی جرائد بعضی چیزها بنده نسبت داده اند و بعضی صحبت ها بر علیه بنده شده است

رئیس - گروسی (اجازه)

توضیح دادند این عبارت با این مقصد مغایرت تام و تمامی دارد دولت ایران در همه ممالک اعتباراتش مشید است از این لفظ تا اگر مقصود دیگری دارید که این لفظ تا مربوط و غلط است؟ ابدأ بنده عقیده ندارم که یک همچولفظی نوشته شود نهایت اینکه باید نوشته شود که آن معاملات طوری باشد که بصره دولت مقرون باشد آنوقت یک قسمتی از آن همانطور است که آقای مغیر توضیح دادند بعلاوه چه ضرر دارد همانطوریکه فرمودند میزان فرغ و مدت استهلاك و ذکر اینها را نکنیم همینکه ما نوشتیم قرض بدهد و برای ایران مفید باشد همه مطالب را در ضمن دارد چه لزومی دارد که حالا زمینه بدست طرف بدهیم؟ هروقت خواستند قرض کنند البته به مجلس می آورند و چه ضرورتی ما را وادار میکنند که امروز زمینه بدست طرف بدهیم؟ ما قانون را طوری باید بنویسیم که مجمل باشد بنا بر این فقط بنویسیم برای ایران مفید باشد این کافی است قسمت دیگر عرضی که دارم و خیلی مهم است این است که البته ممکن است یک همچو قرضی لازم بشود ولی لازم است که مصرف این قرض را هم در اینجا معین کنند که آیا برای ملزومات است یا جهت خرید کارخانجات یا راه آهن یا یک چیزهای مهمی که از مصالح مملکتی است در اینجا زمینه فرغ و استهلاك را بدست طرف میدهم ولی بدهن دولت تذکر بدهیم که قرض برای چیست؟ بنده لازم میدانم اسم ببرم که برای چیست و لازم است که ذکر شود برای خرید کارخانجات است یا راه آهن یا سایر چیزها بالاخره دو چیز لازم است در اینجا رعایت شود یکی اینکه این عبارت اخیر زائد است و این جمله (اعتبار دولت را تشبیه نماید) لازم الحذف است و یکی هم باید تذکر بدهیم که این قرض برای چیست؟ که دولت و مجلس بدهم بدانند که برای چه قرض می شود؟ و زمینه را حاضر کنیم

(جمعی گفتند مذاکرات کافی است) رئیس - دو فقره پیشنهاد رسیده است قرائت میشود حاج شیخ اسدالله - بنده پیشنهاد را پس میگیرم

اصلاح عبارتی ضرر ندارد بنحوی که صرفه داشته باشد رئیس - آقای آقا سید فاضل پیشنهاد میکنند لفظ (لا اقل ۱۰ میلیون دلار) نوشته شود (بجهت تأسیس راه آهن در سرتا سرایران)

سرتا سرایران - سرتا سررا حالا خودم بباش را میگویم بنده کلیتاً عقیده بقرض ندارم خصوص که مصرف هم معین نباشد (همه)

بین نمایندگان اجازه بدهید بدون مذاکره و تعیین مصرف آن بنده عقیده ندارم خاطر نیست در دوره سوم وزارت مالیه دو لایحه بمجلس آورد یکی راجع بفرختن خالصجات خراب شده و بنده در اینجا مخالفت کردم و گفتم تا تعیین مصرف آن نشود نباید این لایحه تصویب شود زیرا دولت ایران نمی تواند از سرمایه خودش بخورد و اینکه در اینجا لفظ قرض نوشته شده اگر چه گمان نمیکنم پس از تصویب این امتیاز مجلس موفق شود که این قرض را تصویب کند ولی معنادار چون عقیده دارم که ذکر کلمه قرض بدون تعیین مصرف فائده ندارد از این جهت پیشنهاد کردم که این ده میلیون دلار برای احداث راه آهن در تمام سرتاسر ایران تخصیص داده شود کرچه میدانم مخارج این ده میلیون مخارج دارد لکن این پیشنهاد را تقدیم کردم تا مقدمه برای تأسیس راه آهن باشد حالا اگر آقایان موافقت نمی کنند مسترد میدانم

ما مفید تر است در اینصورت باید دانست آیا طرف هم این اظهار را قبول میکند یا نه؟ اگر فرضاً قبول نکرد آنوقت بیانک های دنیا مراجعه خواهیم کرد و از بازار های دنیا تقاضا میکنیم که ببنده فرغ صد چند برای ما مفید است احکام اینطور است بنده این ترتیب را اصلاح ندانسته پیشنهاد کرده ام که از حالا یک میزان معتدلی این فرغ معین شود رئیس آقای تدین عضو کمیسیون تدین بلی رئیس بفرمائید تدین بنده تصور میکردم توضیحات آقای مغیر در مقابل شورای آقای کارزونی ایشان را قانع نموده است ولی معلوم میشود هنوز قانع نشده اند و همانطور که اظهار شد این کمیانی کمیانی لفظ است و کمیانی نیست که از خودش یک بانکهای داشته و با سرمایه خودش صرافی کند این کمیانی یک سرمایه دارد که به مصارف کارخانه و سایر مخارج استخراج فقط میرساند ولی با سایر بانکها حساب جاری دارند بنا بر این اگر این عبارت بطور مطلق نوشته شود ممکن است در یک موقعی کمیانی از توجیه قرض تعلل کند در صورتیکه تصریح این عبارت برفع ما است.

ما هروقت اعتبار نشان بدهیم هر کسی بما قرض میدهد و اگر اعتبار نشان ندهیم هیچکس بما قرض نمیدهد اینک در این قانون ذکر میکنیم که کمیانی ده میلیون دلار بما قرض بدهد برای این است که مخارج استخراج بگردن ما نباشد و وقتی بنا باشد که مخارج استخراج را بدهیم دیگر چه تفاوت است که این کمیانی وسیله باشد یا دلال های دیگر بنده مکلف بودم این مطلب را اینجا عرض کنم حالاً هر طور آقایان رای میدهند همان است.

بخیر متأسفانه بنده اینجا با آقای وزیر فوائد عامه مخالفم یعنی توضیحاتی که دادند نمیتوانم مسکوت عنه بگذارم زیرا این قانون صدمه وارد میآورد اینک فرمودند بودن و نبودن عبارت فرق ندارد اینطور نیست چه اگر این عبارت ذکر نشود مادچار مشکلات خواهیم شد برای اینکه آنوقت هر شرطی که بمانعیم کنند ما باید بپذیریم ما باید از این قید مستخلص شویم یعنی کمیانی را ملزم کنیم که برای گرفتن این امتیاز وسایل قرضه را تسهیل کنند پس بودن و نبودن این عبارت مساوی نیست بلکه بودن آن واجب است اما در موضوع اینک فرمودند ما هروقت اعتبار نشان بدهیم میتوانیم قرض بکنیم اینطور نیست زیرا ما اولاً میخواهیم از این کمیانی قرض کنیم برای اینکه مختصر مصارفی که دارد در عهده کمیانی باشد و ثانیاً مکرر اعتبار داشته ایم ولی قرض دهنده برای ما پیدا نشده حالا از نظر سیاست یا هر چه هست میدانم پس مقصود از این عبارت این است که کمیانی مکلف باشد در هر موقعی که برای ما لازم می شود این ده میلیون قرض را تهیه کند و اول شرط ما این است که کمیانی اگر میخواهد از مملکت ما

پس ما قرض بکنیم اینطور نیست زیرا ما اولاً میخواهیم از این کمیانی قرض کنیم برای اینکه مختصر مصارفی که دارد در عهده کمیانی باشد و ثانیاً مکرر اعتبار داشته ایم ولی قرض دهنده برای ما پیدا نشده حالا از نظر سیاست یا هر چه هست میدانم پس مقصود از این عبارت این است که کمیانی مکلف باشد در هر موقعی که برای ما لازم می شود این ده میلیون قرض را تهیه کند و اول شرط ما این است که کمیانی اگر میخواهد از مملکت ما

تدین بنده تصور میکردم توضیحات آقای مغیر در مقابل شورای آقای کارزونی ایشان را قانع نموده است ولی معلوم میشود هنوز قانع نشده اند و همانطور که اظهار شد این کمیانی کمیانی لفظ است و کمیانی نیست که از خودش یک بانکهای داشته و با سرمایه خودش صرافی کند این کمیانی یک سرمایه دارد که به مصارف کارخانه و سایر مخارج استخراج فقط میرساند ولی با سایر بانکها حساب جاری دارند بنا بر این اگر این عبارت بطور مطلق نوشته شود ممکن است در یک موقعی کمیانی از توجیه قرض تعلل کند در صورتیکه تصریح این عبارت برفع ما است.

مالي دارند حاضر نیستند بیش از تومانی يك عباسی فرغ بدهند پس این عبارتی که در اینجا نوشته شده عبارت خیلی خوبی است و مقصود این است که در موضوع میزان فرغ و استهلاك دولت با کمیانی مسأله کرده می نمایم و باید طوری میزان فرغ را معین کرد که از نقطه نظر فرغ اعتبار مالی دولت ایران بنظر مهم میآید و همچنین مدت استهلاك هم طوری باشد که اعتبار مالی ایران اهمیت داشته باشد باین معنی که میزان فرغ حتی الامکان کم و مدت استهلاك زیاد باشد.

وزیر رفی اندک عامه بنده عرض میکنم راجع بآن عبارت آخر نزاع لفظی است چه بودن و نبودن آن در قضیه تأییری ندارد منتهی قدری از تراکت دوراست باین حال اگر آقایان مایلند ذکر شود نکته دیگر این ماده که در این قانون نوشته شده حاکمی از این است که کمیانی ده میلیون دلار بما قرض بدهد برای چیست؟

ما هروقت اعتبار نشان بدهیم هر کسی بما قرض میدهد و اگر اعتبار نشان ندهیم هیچکس بما قرض نمیدهد اینک در این قانون ذکر میکنیم که کمیانی ده میلیون دلار بما قرض بدهد برای این است که مخارج استخراج بگردن ما نباشد و وقتی بنا باشد که مخارج استخراج را بدهیم دیگر چه تفاوت است که این کمیانی وسیله باشد یا دلال های دیگر بنده مکلف بودم این مطلب را اینجا عرض کنم حالاً هر طور آقایان رای میدهند همان است.

بخیر متأسفانه بنده اینجا با آقای وزیر فوائد عامه مخالفم یعنی توضیحاتی که دادند نمیتوانم مسکوت عنه بگذارم زیرا این قانون صدمه وارد میآورد اینک فرمودند بودن و نبودن عبارت فرق ندارد اینطور نیست چه اگر این عبارت ذکر نشود مادچار مشکلات خواهیم شد برای اینکه آنوقت هر شرطی که بمانعیم کنند ما باید بپذیریم ما باید از این قید مستخلص شویم یعنی کمیانی را ملزم کنیم که برای گرفتن این امتیاز وسایل قرضه را تسهیل کنند پس بودن و نبودن این عبارت مساوی نیست بلکه بودن آن واجب است اما در موضوع اینک فرمودند ما هروقت اعتبار نشان بدهیم میتوانیم قرض بکنیم اینطور نیست زیرا ما اولاً میخواهیم از این کمیانی قرض کنیم برای اینکه مختصر مصارفی که دارد در عهده کمیانی باشد و ثانیاً مکرر اعتبار داشته ایم ولی قرض دهنده برای ما پیدا نشده حالا از نظر سیاست یا هر چه هست میدانم پس مقصود از این عبارت این است که کمیانی مکلف باشد در هر موقعی که برای ما لازم می شود این ده میلیون قرض را تهیه کند و اول شرط ما این است که کمیانی اگر میخواهد از مملکت ما

تدین بنده تصور میکردم توضیحات آقای مغیر در مقابل شورای آقای کارزونی ایشان را قانع نموده است ولی معلوم میشود هنوز قانع نشده اند و همانطور که اظهار شد این کمیانی کمیانی لفظ است و کمیانی نیست که از خودش یک بانکهای داشته و با سرمایه خودش صرافی کند این کمیانی یک سرمایه دارد که به مصارف کارخانه و سایر مخارج استخراج فقط میرساند ولی با سایر بانکها حساب جاری دارند بنا بر این اگر این عبارت بطور مطلق نوشته شود ممکن است در یک موقعی کمیانی از توجیه قرض تعلل کند در صورتیکه تصریح این عبارت برفع ما است.

استفاده کند باید بهر وسیله هست بطوری که بناصر نرسد چنین قرض مهمی را در موقع لزوم برای ما تهیه کند - بنا بر این بودن عبارت لازم است و اگر این عبارت اینجا نوشته نشود قطعاً نتیجه بزرگی از دست ما خواهد رفت

رئیس - رای میکنیم بقبایل توجه بودن پیشنهاد آقای آقامیرزا علی آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمائید (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - رای می گیرم باده چهارم آقایانی که ماده چهارم را تصویب میکنند قیام فرمائید (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده پنجم - بموجب امتیاز مزبور صاحب امتیاز حق و اجازه مخصوص و مانع للنزاع استکشاف و استخراج و تصفیه و نقل و کاز طبیعی و غیره را میشود

چهار گانه دارا خواهد بود و همچنین حق و اجازه غیر انحصاری بمرعش تجارت رساندن و حمل و فروش و صادر و وارد کردن نفت و کاز طبیعی و غیره و موم معدنی و یا متفرعات آنها را در داخله ایران خواهد داشت

رئیس - آقای شیخ الاسلام (اجازه)

شیخ الاسلام - عرضی ندارم

رئیس - آقای مساوات (اجازه)

مساوات - بنده در جزء اخیر این ماده بعضی اشکالات دارم یکی اینکه در این ماده مینویسد صادر و وارد کردن فقط این عبارت بطور مطلق است میشود وارد کردن فقط ایران باشد و یا فقط خارج و همچنین باز در این ماده مینویسد و کاز طبیعی و غیره و موم معدنی و یا متفرعات آنها شامل ذغال سنگ میشود بجهت این که آنهم از مواد متفرعه فقط است در امتیاز چکوسلاک هم مخصوصاً ذغال سنگ را استثناء کرده است و در اینجا چون اسم برده بود فقط و کاز طبیعی و غیره موم خوب بود در اینجا هم همینها را مینوشت ولی اینجا لفظ متفرعات شامل چیزهای دیگری هم میشود از این جهت بنده پیشنهاد کردم که اگر آقایان موافقت کنند ضمیمه این ماده بشود

رئیس - آقای سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده میخواستم عرض کنم که گمان میکنم ایرادات آقای مساوات وارد باشد برای اینکه در مملکت ما تجارت آزاد است بطوریکه هر قسم مال التجاره میخواهند صادر و وارد کنند باین جهت کمسیون این مطلب را نظر گرفته است که این ماده را نوشته است

رئیس - آقای میرزا یانس (اجازه)

میرزا یانس - از عبارت این ماه درست مفهوم نمیشود که آیا صاحب امتیاز حق دارد نفت را از ایران خارج نماید یا خیر؟ چون در اینجا نوشته است حق صادر و وارد کردن نفت و غیره در داخله ایران خواهد داشت

رئیس - آقای تدین (اجازه)

دانش این است که در اینجا ذکر میشود حمل و فروش و صدور و وارد ساختن آن و اگر بنا باشد نفت را از ایران بیرون ببرند پس و کاز طبیعی و غیره و موم معدنی و یا متفرعات آنها را در داخله ایران خواهد داشت

رئیس - آقای مساوات (اجازه)

مساوات - توضیحی دارم

رئیس - آقای میرزا علی (اجازه)

میرزا علی - آقایانیکه مدت این امتیاز ۵۰ سال قرار داده اند مسلم است وقتی صاحب امتیاز دید که دولت از طرف مجلس اجازه دارد که این معادن را تا مدت ۵۰ سال امتیاز بدهد البته کمتر از ۵۰ سال قبول نخواهد کرد و ۵۰ سال امروز هم چقدر از عمر دنیا است (جمعی از نمایندگان ۵۰ سال)

مدت ۵۰ سال دیگر از این معدن چیزی برای ما باقی نماند فقط کوردالهای بی نفتی بما تسلیم خواهند کرد بنا بر این بنده ۵۰ سال را زیاد میدانم و ۳۰ سال را متقدم و حضرت والا بتوانند مدت را ده سال قرار بدهند بنده عقیده بنده خدمت بایران است (جمعی گفتند مذاکرات کافی است)

رئیس - پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله قرائت میشود بنده پیشنهاد میکنم ماده که ششم این قسم اصلاح شود:

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - تصور نمیکنم توضیح مفصلی لازم باشد بنده تمین حد اقل را لازم میدانم البته دولت هر چه بتواند مدت امتیاز را کمتر قرار دهد بهتر است ولی حد اکثر همانطور که نظر آقایان است باید ۴۰ سال باشد بنده هم همان را پیشنهاد کرده ام و بزبانه از ۴۰ سال هم عقیده ندارم

مخبر - پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله عملی نیست در کمسیون هم مدتی در این قضیه مذاکره کردیم و آقای کارزونی هم سی سال را قائل شدند و بعد فرمودند اگر مدت ده سال بشود بهتر است بنده عرض میکنم خدمت بملکت اینستکه کاری بکنیم عملی باشد والا با لفاظ دل خوش کردن خدمت بملکت نیست بلکه برای خوش آمد تماشای و شنونده است بنده برای این و کیل شده ام در هر قانونی که مداخله داشته باشم و در هر جا که اظهار عقیده بکنم چه بسمت خصوصی و شخصی چه بسمت مغبری کمسیون که شرافت آنرا دارم باید طوری دفاع کنم که بدانم مسئله عملی است

طرف ده یا نوزده سال بشود هم برای ما
و هم برای کمیانی بهتر خواهد بود اگر هم
برای آنها نباشد مسلماً برای ما بهتر است
کمیانی استاندار بدواً شخصت سال پیشنهاد
کرده بود ، مدت نفت جنوب هم همین
اندازه هست ولی کمیسیون مدت را پنججاه
سال در نظر گرفت و پس از مذاکرات زیاد
آن قانون بمجلس آمد و گذشت ولی در
شور اول این قانون همینطور که میفرمائید
پیشنهادی در حدود سی و چهل سال تقدیم
و یکمسیون احاله شد ما چون طرف خاصی
نداریم نمیدانیم چهل سال پیشرفت میکند
یا نه و اگر مدت را چهل سال قرار بدهیم طرف
مقابل قبول خواهد کرد یا نه .

بنابراین برای اینکه دست دولت را
باز گذارده باشیم مدت را بین چهل و پنججاه
سال قراردادیم بعضی از رفقا هم در کمیسیون
همین نظر آقای کازرونی را داشته ولی
در آنجا هم بنده مخالف بودم برای اینکه
عقیده آقای کازرونی اینست که دولت بضرر
مملکت کار میکند در صورتی که اینطور
نیست همینطور که ما در اینجا بنفع مملکت
کار میکنیم دولتها و وزراء هم بنفع مملکت
کار خواهند کرد .

آقای کازرونی میفرمایند اگر بنویسیم
دولت حق دارد تا مدت پنججاه سال امتیاز
بدهد آنوقت قطعاً کمیانی بچهل و پنجسال
قانع نخواهد شد که برای ما مسلم شده
است که از چهل سال کمتر نمیشود امتیاز
داد از آنطرف هم اشخاصی هستند که
میگویند چهل سال کم است و چون خود ما
نمیتوانیم با دلایل علمی و فنی استدلال کنیم
که چهل سال محدوداً کافی است دست دولت
را باز میگذاریم تا دولتی که مامور است
بموجب این قانون برود مذاکره و تحقیقات
بکند اگر دید چهل سال کافی است که
هیچ وا کر دید که برای چهل سال حاضر
نشوند باید پنججاه سال باشد ما نمیخواهیم
قانونی بنویسیم که پس فردا دولت بیاید
بگوید آقایان نماینده کان دوره پنجم !
سابقین شما قانونی بدست ما داده بودند
و نتوانستیم اجراء کنیم حالا بیایید مدتها
سال کنید .

(مدرش - عیش چیست؟)

مخبر - عیش اینست که چرا ما کار
بی زبلی کرده باشیم ؟ اگر این قانون را
برند و مذاکره کردند و قبول نشد و بر کشت
و وکلای دوره پنجم گفتند که ما ۵۰ سال
امتیاز نمیدهیم آیا الزامی دارد ؟ نه .
بنابراین اعتراض نقضی وارد نیست و فرقی
هم ندارد .

رئیس - رای میگیریم مقابل توجه
بودن این پیشنهاد آقایانی که قابل توجه
میدانند قیام فرمایند .

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . بالنتیجه
پیشنهاد آقایان مدرس و دانش و حاج میرزا

عبدالوهاب هم رد شد پیشنهادی از طرف
آقای آقا میرزا علی رسیده که مدت راسی
سال معین کرده اند

(جمعی از نمایندگان - در شد)

آقای میرزا علی - چهل سال رد شد
سی سال رد شد

رئیس - آقای آقا میرزا علی

(اجازه)

آقای میرزا علی کازرونی - معلوم
میشود عملی بودن این قانون

آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد
کرده ام ماده ۶۳ نظامنامه را بخوانند

رئیس - خودشان خوانده اند

آقای میرزا علی - معلوم میشود عملی
بودن این قانون امتیاز وقتی است که طرف

راضی باشد و اگر راضی نشد این قانون
عملی نبوده برای تماشاجی است ! آقای

مخبر فرمودند که سی سال چهل سال عملی
نیست آیا عملی عبارت از آنست که طرف

راضی باشد ؟

بنده نگفتم همیشه اوقات دولت بضرر
مملکت کار میکند . اگر چنانچه همیشه

مصدر چنین امری آقای حاج مخبر السلطنه
بودند و اطمینانی برای بنده بود و در خارج

هم چیز هائی متصور نبود اهمیت نداشت
لکن اینطور نیست همیشه چیز هائی در بین

میآید که حدا کثر مدت گرفته میشود بملاوه
وقتی طرف دید دولت مجبور است موافق

این قانون عمل کند و حدا کثر راهم پنججاه
سال قراردادند البته بکمتر از این راضی

نخواهد شد .

آقای مخبر فرمودند بدلائل منطقی
و فلسفی و علمی نمیتوانیم ثابت کنیم چهل

سال کافی است من نمیدانم ما چطور ثابت
کرده ایم پنججاه سال کافیست ولی بنده

عقیده دارم پنججاه سال زیاد وسی سال کافی
است . بعضی از تجار ایرانی پیشنهاد

کرده اند که در عرض دوسال نفت را استخراج
کنند در هر صورت اگر مدت بیش از

سی سال قرار بدهیم قطعاً پنججاه سال خواهد
شد و اینکه فرمودند بعد از امتیاز نامه به

مجلس خواهد آمد بنده عرض میکنم از این
صتون بآن ستون فرج است در آنوقت هم

همان پنججاه سال را تصویب میکنند .

رئیس - رای میگیریم مقابل توجه
بودن پیشنهاد آقای کازرونی . آقایانی که

قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(کسی قیام نکرد)

رئیس - پیشنهاد آقای زنجانی قرائت
میشود .

(بدین شرح خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده (۶) چنین
نوشته شود :

دولت مدت امتیاز را پس از مذاکره
با صاحب امتیاز معین نموده بیش از چهل و پنج

سال مقرر نخواهد کرد

(ابراهیم زنجانی)

رئیس - آقای زنجانی

(اجازه)

آقای شیخ ابراهیم زنجانی - نواب

اولا فرمودند در امتیاز چک اسلاو مدت را
سی سال قرار داده اند و در آنجا همه چیز

حاضر است اینجا هم ما شرط کرده ایم
قبل از ده سال همه چیز حاضر شود و مجموعاً

مدت چهل سال میشود و بنده چهل و پنجسال
پیشنهاد کردم حدا کثر را هم نباید معین کرد

شاید دولت بتواند کمتر معین کند

رئیس - رای میگیریم مقابل توجه
بودن پیشنهاد آقای زنجانی آقایانی که قابل

توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد

آقای فیوضات پیشنهاد میکنند که
بجای در آن تاریخ از آن تاریخ نوشته

شود .

مخبر - ضرری ندارد .

رئیس - باید رای بگیریم ماده ۶
مدرس - بنده پیشنهاد دارم حالا

تقدیم میکنم .

رئیس - پس می ماند برای بعد از
تنفس .

(در این موقع جلسه برای تنفس
تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل

گردید) .

پیشنهاد آقای مدرس بشرح ذیل
قرائت شد (

پیشنهاد میکنم بجای لفظ از حیث
میزان الی آخر عبارت ذیل نوشته

شود :

که از هر حیث برای دولت مقرون
بصرفه و مفید بوده اعتبار دولت ایران الی

آخر .

رئیس - آقای مدرس

(اجازه)

مدرس - توضیح ندارد ولی چون
محل خلاف است بنده عرض میکنم ما ملزم

نیستیم حدا کثر واکثر مدت را تعیین کنیم
و قتیکه با صاحب امتیاز مذاکره کردیم

هر طور طرفین قبول کردند مجدداً بمجلس
پیشنهاد میشود .

رئیس - رای میگیریم مقابل توجه
بودن پیشنهاد آقای مدرس .

آقایانی که تصویب میکنند قیام
فرمایند .

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . جلسه
ختم میشود و جلسه آتی فردا سه ساعت و نیم

قبل خواهد بود ولی از آقایان تقاضا میکنم
سروقت تشریف بیاورند .

امروز يك ساعت و نیم قبل از ظهر
جلسه تشکیل شد .

موضوع مذاکرات اولاً لایحه نفت
ثانیاً بودجه وزارت خارجه بابت ایت تیل .

ثانیاً راپرت کمیسیون بودجه راجع بورته

بیش خدمت باشی سابق مجلس . آقای
اقبال السلطان .

(اجازه)

اقبال السلطان - لایحه است راجع
بنرخ پستی که شور اولش هم تمام شده اگر

اجازه بفرمائید جزء دستور فراد شود
رئیس - فردا یا قبل از جلسه با سایر

موقع تنفس کمیسیون پست و تفکراف و
فوائد عامه را انتخاب نمائید برای این که

بعضی لوایح هم هست که باید رسیدگی نموده
راپرت آنرا بمجلس تقدیم دارند

آقای سپهدار اعظم

(اجازه)

سپهدار اعظم - لایحه راجع
بنظمیه رشت را که از طرف دولت تقدیم

مجلس شده بود تقاضا دارم جزء دستور
فردا معین فرمایند .

رئیس - تکلیف این هم فردامعین
خواهد شد .

(جلسه نیم ساعت بظهور بانجام
رسید) .

رئیس مجلس مؤتمن الملك
جلسه ۲۷۶

صورت مشروح مجلس
یوم چهارشنبه دوم جوزا

۱۳۰۲ برابر ششم شوال
سنه ۱۳۴۱

(مجلس دوساعت و نیم قبل از ظهر
بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل

گردید) .

(صورت مجلس یوم سه شنبه اول
جوزا را آقای امیر ناصر قرائت نمودند)

رئیس - آقای آقا سید محمد تقی
(اجازه)

آقا سید محمد تقی طباطبائی -
شاهزاده محمد ولی میرزا در صورت مجلس

غائب بی اجازه نوشته اند در صورتی
ایشان کسالت دارند و توسط بنده هم

اجازه خواستند کمیسیون هم تصویب کرده
است .

رئیس - دیگر ایرادی نیست؟
(گفته شد خیر)

رئیس - لایحه اعتبار نفت از ماده
هفتم مطرح است . آقای شیخ الاسلام

اصفهانى .

(اجازه)

شیخ الاسلام - بنده عرض
ندارم .

رئیس - آقای تدین .
(اجازه)

تدین - بنده هم موافقم
رئیس - آقای آقا سید یعقوب

موافقم؟

آقا سید یعقوب - بلی موافقم
رئیس - آقای پیرزبانس

(اجازه)